

## آشنایی با اصول و چارچوب‌های قانونگذاری کیفی

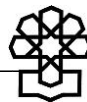
معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی  
دفتر مطالعات حقوقی

کد موضوعی: ۲۴۰  
شماره مسلسل: ۱۷۰۹۷  
خردادماه ۱۳۹۹

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده .....
۱	مقدمه .....
۲	بخش اول - اهمیت و کارکرد قوانین کیفری .....
۳	بخش دوم - چارچوب‌ها و ضوابط لازم در عرصه قانونگذاری کیفری .....
۳	۱. عدم مغایرت با موازین اسلامی و قانون اساسی .....
۳	۲. التفات به اصل قانونی بودن جرم و مجازات .....
۴	الف) قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی .....
۶	ب) تفسیر مضیق قوانین جزایی در صورت عدم کشف مراد مقنن .....
۷	۳. توجه به اصل برائت .....
۸	۴. ضرورت شفافیت و وضوح قوانین کیفری .....
۹	۵. عدم امکان جرم‌انگاری و تعیین مجازات در قالب آیین‌نامه یا دستورالعمل .....
۱۰	۶. ضرورت انطباق نوع و میزان مجازات‌های تعزیری با چارچوب تعریف شده در قانون مجازات اسلامی .....
۱۱	۷. بهره‌گیری از نظرات تخصصی کارشناسی برای تحقق الزامات اسناد بالادستی .....
۱۲	نتیجه‌گیری .....
۱۳	پیوست .....



## آشنایی با اصول و چارچوب‌های قانونگذاری کیفری

### چکیده

قانونگذاری کیفری یکی از مهم‌ترین حوزه‌های قانونگذاری در هر کشوری محسوب می‌شود که اگر براساس اصول و در چارچوب‌های مقرر صورت نگیرد، نه تنها نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آید، بلکه هزینه‌های گزافی بر جامعه تحمیل می‌کند. در این گزارش سعی شده است مهم‌ترین چارچوب‌های قانونگذاری کیفری مورد تبیین و تشریح قرار گیرد.

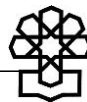
### مقدمه

به طور کلی به منظور ایجاد یک قانون، مراحل طی می‌شود که به آن فرایند قانونگذاری یا فرایند ایجاد قانون گفته می‌شود. منظور از فرایند قانونگذاری کیفری مراحل مختلفی است که از زمان ارائه پیشنهاد از سوی نهادهای ذی‌ربط آغاز و با تصمیم نهایی قوه مقننه مبنی بر تصویب یک قانون کیفری پایان می‌یابد. تمامی مراحل موجود در این فرایند، باید مبتنی بر اصول و مبانی و چارچوب‌های مقرر باشد تا قانون کیفری که در نهایت وضع می‌شود بتواند نیازهای جامعه و اهداف مورد نظر را تأمین کند. علاوه بر رعایت ضوابط عام در قانونگذاری، نظر به اهمیت و حساسیت قوانین کیفری که با جان، مال و آبروی افراد ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند، در قانونگذاری کیفری نیز رعایت چارچوب‌های خاصی لازم است که در این گزارش تشریح و تبیین می‌گردد.

## بخش اول - اهمیت و کارکرد قوانین کیفری

قانونگذاری کیفری فرایندی است که به موجب آن قانونگذار فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. به بیان روشن‌تر در مواردی که مقنن به‌منظور پیش‌بینی ضمانت اجرا از ابزار مجازات همچون حبس و جزای نقدی استفاده می‌نماید یک قانون کیفری ایجاد کرده است. بنابراین، مشخصه اصلی و متمایزکننده قانون کیفری از سایر حوزه‌های تقنینی، وجود ضمانت اجرای قهرآمیز در این نوع قوانین است. این قبیل قوانین از نظر شکل و قالب یا در یک قانون مستقل و مجزا همچون قانون مجازات اسلامی، قانون مبارزه با پولشویی، قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و یا قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ارائه و تدوین می‌شود و یا به‌عنوان یک فصل، بخش یا موادی از یک قانون مربوط به حوزه‌های مختلف آورده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، قوانین انتخاباتی یا قانون مطبوعات اگرچه یک قانون کیفری نیستند، ولی در این قوانین بخش یا فصل مشخصی به تبیین جرائم و مجازات‌های مربوط به همان قانون می‌پردازد. قوانین کیفری در هر شکل و قالبی که تصویب شوند، از مهم‌ترین ارزش‌ها و هنجارهای جامعه صیانت و حمایت می‌نمایند. از این‌رو برقراری و ایجاد نظم و امنیت در تمامی حوزه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی رهاورد وضع و اجرای صحیح قوانین کیفری به‌شمار می‌رود.

از این‌رو، از آنجا که ایجاد محدودیت و ممنوعیت رفتاری از طریق فرایند جرم‌انگاری و سپس اعمال مجازات، امری مغایر با اصل شرعی اباحه می‌باشد؛ ضروری است ضمن رعایت مبانی و موازین فقهی از لحاظ رعایت چارچوب‌های قانون‌نویسی و ضوابط مقرر نهایت دقت و ظرافت را مورد توجه قرار داد، چه اینکه در غیر این صورت نه تنها کارکردهای مطلوب قوانین کیفری محقق نخواهد شد، بلکه خود می‌تواند عاملی برای بی‌نظمی و هرج‌ومرج و بی‌عدالتی باشد.



## بخش دوم - چارچوب‌ها و ضوابط لازم در عرصه قانونگذاری کیفری

### ۱. عدم مغایرت با موازین اسلامی و قانون اساسی

مطابق اصل هفتادویکم قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی می‌تواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی قانون وضع کند» قانونگذاری کیفری نیز از این امر مستثنا نیست و این نوع قوانین نیز باید مطابق حدود مقرر در قانون اساسی انجام پذیرد. اصل هفتادودوم قانون اساسی یکی از چارچوب‌های مقرر در رابطه با حدود و ثغور قانونگذاری مجلس را این‌گونه بیان داشته است که: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی را وضع نماید که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد». همچنین مطابق با اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات از جمله قوانین جزایی باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل به‌عنوان یکی دیگر از چارچوب‌های مقرر برای قانونگذاری در همه زمینه‌ها این‌گونه مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است».

### ۲. التفات به اصل قانونی بودن جرم و مجازات

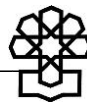
این اصل یکی از مهم‌ترین اصول حقوق کیفری است. به این معنا که تنها رفتارهایی جرم و ازسوی دستگاه قضایی قابل پیگیری و محاکمه هستند که در قانون به‌عنوان جرم تعریف شده و مجازاتشان هم مشخص شده باشد. اصل مذکور در ماده (۲) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و اصل سی‌وششم قانون اساسی صراحتاً بیان شده است. وجود این اصل حافظ آزادی‌های اساسی

افراد در نظام عدالت کیفری و تضمین حقوق آنان به‌شمار می‌رود. بدین ترتیب، هر فعل یا ترک فعلی زمانی جرم پنداشته می‌شود که در قانونی که قبل از ارتکاب عمل لازم‌الاجرا شده، پیش‌بینی شده باشد. به عبارت دیگر قانون برای آینده است و نمی‌توان اثر قانون را به اعمالی که مقدم بر وضع قانون باشد، تسری داد. در پرتو پاسداشت این اصل، قوانین کیفری باید صریح و آشکار باشند و رفتارهای مجرمانه را مشخص و مجازات‌های آنها را به روشنی معین کنند تا قاضی از قیاس و تفسیر دلخواه برای حل دعوی استفاده نکند. در غیر این صورت، آزادی‌های فردی مخدوش و نظم و مصالح اجتماعی که مورد توجه قانونگذار است دچار آسیب خواهد شد. بنابراین، از این اصل دو نتیجه منطقی به دست می‌آید:

#### الف) قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی

این قاعده بیان می‌کند که عقاب و مجازات کردن افراد بدون اینکه قبلاً حکمی از طرف شارع یا قانونگذار بیان شود و به اطلاع عموم برسد قبیح و قابل سرزنش است. این قاعده که نتیجه ضروری اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست مربوط به قوانین جزایی ماهوی می‌شود، نه قوانین شکلی جزایی. قوانین ماهوی عموماً مشتمل بر جرم‌انگاری رفتارها و تعیین مجازات برای آنها هستند. اصل بر این است که اگر فعلی در حین وقوع، طبق قانون جزایی جرم نباشد، اما بعداً توسط قانون لاحق جرم شناخته شود، این عمل قابل مجازات نیست. یا اینکه اگر قانون لاحق میزان مجازات را تشدید کرده باشد این تشدید قابل اعمال نیست و تأثیری در مجازات عمل طبق قانون سابق ندارد. قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی در ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) تصریح شده است.

با وجود این، قاعده فوق با استثنائاتی روبه‌رو است که عبارتند از: قانون تفسیری، قانون اخف (ملایم) و قانون شکلی.



### قانون تفسیری: یکی از استثنائات قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی، قانون

تفسیری است. قانون تفسیری قانونی است که از قانون دیگر رفع ابهام می‌کند و مقصود قانونگذار از آوردن بعضی اصطلاحات و مفاهیم غامض در آن روشن می‌گردد؛ گفته می‌شود که چون قانون تفسیری، قانون جدید نیست، برخلاف قاعده کلی عطف بماسبق می‌شود و اثر آن از تاریخی است که قانون اصلی لازم‌الاجرا شده است. اثر به دست قوانین به گذشته نیز تسری دارد، چون در محتوای قانون هیچ‌گونه تغییری وارد نمی‌کند فقط از آن رفع ابهام می‌نماید و مقصود و نظر مقنن در زمان تصویب را شفاف و صریح بیان می‌دارد.

### قانون اخف: از استثنائات مهم این قاعده این است که اگر قانون جدیدی که تصویب و

لازم‌الاجرا می‌شود نسبت به متهم یا محکوم ملایم‌تر و خفیف‌تر باشد به گذشته تسری داده می‌شود. قانون اخف یا ناظر به جرم است، بدین ترتیب که قانون، سیاست جرم‌زدایی را پیش می‌گیرد. در این صورت متهم می‌تواند به استناد قانونی که بعد از رفتار مجرمانه وی تصویب و اجرا شده است تقاضای صدور حکم برائت نماید. همچنین ممکن است در قانون لاحق مجازات به اقدامات تأمینی و تربیتی تبدیل یا میزان مجازات برخی جرائم تخفیف یابد. در این صورت محکومین کیفری می‌توانند به استناد قانون جدید تقاضای تخفیف یا تبدیل مجازات نمایند.

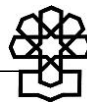
### قانون شکلی: قوانین شکلی یا به تعبیر دیگر قوانینی که تشریفات و آیین‌های

رسیدگی دعاوی و شکایات در محاکم را تعیین می‌نمایند نسبت به قاعده عطف بماسبق نشدن، وضعیت معکوس به خود می‌گیرد و در این نوع قوانین اصل بر این است که به گذشته عطف می‌شود. زیرا در قلمرو آیین دادرسی کیفری، قانون لاحق که با فرض برتری به قانون سابق و برای تأمین عدالت به بهترین شکل وضع شده، نه تنها باید فوراً به اجرا گذاشته شود، بلکه در خصوص پرونده‌های سابق بر وضع قانون جدید نیز به اجرا درمی‌آید

و گر نه دلیلی بر تغییر قانون وجود نداشت. قانون شکلی جدید، از جهت در برداشتن نفع متهم و سود جامعه، بر قوانین سابق ارجحیت دارد، بنابراین هیچ اشکالی در عطف بماسبق کردن آنها وجود ندارد. این قاعده در ماده (۱۱) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تصریح شده است. البته قاعده عطف بماسبق شدن قوانین شکلی هم استثنایی دارد و آن زمانی است که متهم نسبت به قانون گذشته یک حقی کسب کرده است. برای مثال چنانچه متهم به استناد قانون سابق حق اعتراض بر حکم را داشته باشد، اما قانون لاحق این حق را سلب کند در این گونه موارد این قانون سابق است که اجرا می‌شود نه قانون لاحق.

### ب) تفسیر مضیق قوانین جزایی در صورت عدم کشف مراد مقنن

در مواردی که فهم و استنباط از یک قانون کیفری دچار ابهام باشد علی‌القاعده باید به هر نحو دنبال کشف مراد و مقصود مقنن بود و در صورتی که کشف مراد و مقصود مقنن محقق شود، فرقی ندارد که قانون کیفری به صورت مضیق یا موسع تفسیر گردد. در واقع هدف باید کشف مراد مقنن باشد. با این حال در مواردی که احراز این امر میسر نباشد مطابق با یکی دیگر از نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قوانین کیفری باید به صورت مضیق تفسیر شود. استفاده از عبارات تفسیربردار و مبهمی که هر کس به سلیقه خود می‌تواند برداشت متفاوتی از آن داشته باشد با روح اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مغایرت دارد. به همین دلیل قانونگذار کیفری باید تلاش کند که همواره با روشن‌ترین و صریح‌ترین عبارات مقصود خود را بیان کند. با این حال، بر فرض که بتواند از عهده این مهم بر بیاید، از یک‌سو، گذر زمان گاهی منظور اصلی و عبارات به کار برده شده در قانون را برای نسل جدید مبهم می‌سازد و از سوی دیگر نمی‌توان از قانونگذار توقع داشت که تمامی مسائل و موضوعاتی که ممکن است در آینده نیاز به قانون داشته باشد را پیش‌بینی نموده و حکم آن را مشخص نماید.



در متون قانونی جزایی باید به قدر متیقن عبارات اکتفا نمود و نمی‌توان کلمات را به بازی گرفت و فراتر از آن برای رسیدن به مقصود پیش رفت به عبارت دیگر همان تفسیر تحت‌اللفظی که فقط به منطوق و مراد مقنن تکیه دارد ملاک تفسیر قرار می‌گیرد.

### ۳. توجه به اصل برائت

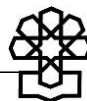
در امور کیفری، اصل بر برائت متهم است مگر اینکه دلیل قاطع بر مجرمیت فرد موجود باشد. لذا برای مجرم قلمداد نمودن فرد باید دلیل قاطع وجود داشته باشد. الزام به وجود دلایل قاطع در حقوق جزا، در مقایسه با سایر شاخه‌های حقوقی مانند حقوق مدنی یا تجارت برجسته‌تر است؛ زیرا در امور کیفری، حیثیت، آزادی و چه‌بسا جان افراد مورد تهدید واقع می‌شود و یک دلیل غیرموجه می‌تواند فرد بی‌گناهی را مجازات و یا مجرم خطرناکی را از مجازات برهاند. در این رابطه، اصل سی‌وهفتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح اثبات گردد». در ماده (۴) قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز آمده است: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به‌گونه‌ای شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

اصل برائت به‌عنوان یک اصل اساسی و کلیدی، ضامن حقوق و آزادی‌های مشروع و همچنین حافظ کرامت و حیثیت شهروندان در برابر تعرضات احتمالی به‌شمار می‌رود. ذکر این نکته لازم است که درباره قلمرو اصل برائت اختلاف‌نظر وجود دارد، بدین معنا که برخی این اصل را ناظر بر قواعد اثبات دعوی و تنها ناظر بر ضرورت حق دفاع متهم در طول رسیدگی از سوی مقامات قضایی می‌دانند، برخی دیگر معتقدند که این اصل به‌هیچ‌وجه منحصر

به مرحله رسیدگی و صدور حکم نیست و تمام اجزای یک نظام حقوقی باید به آثار مختلف اصل براءت ملتزم باشند و این خود به معنای استمرار بخشیدن به آثار اصل حفظ کرامت انسان و مصون بودن افراد جامعه از هرگونه تعرض است. به نظر می‌رسد این دیدگاه به صواب نزدیک‌تر باشد و نباید رعایت اصل براءت را به مرحله رسیدگی و صدور حکم منحصر کرد و پیش از آن در مرحله وضع قانون کیفری نیز برای تعدی نکردن به حقوق و آزادی‌های اساسی افراد تصمیم‌گیری قانونگذار باید با لحاظ قرار دادن این اصل باشد.

#### ۴. ضرورت شفافیت و وضوح قوانین کیفری

همان‌طور که ذیل اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها بیان شد، قوانین کیفری باید حتی‌الامکان صریح، آشکار، قابل فهم و شفاف باشند. بنابراین، قانونگذار کیفری باید جرم را مشخص و مجازات‌های آن را به روشنی معین کند تا قاضی از قیاس و تفسیر دلخواه برای حل دعوی استفاده نکند. در غیر این صورت، آزادی‌های فردی مخدوش و نظم و مصالح اجتماعی که مورد توجه قانونگذاران است دچار آسیب خواهد شد. افزون بر این، انسجام و شفافیت قوانین می‌تواند از تورم قوانین کیفری به دلیل ابهامات موجود نیز جلوگیری کند. زیرا بسیاری از قوانین ممکن است به دلیل وجود ابهام در قوانین قبلی وضع گردند در حالی که اگر قوانین شفاف، منظم و منسجم تصویب گردند، دیگر نیازی به وضع قوانین پراکنده و متعدد برای رفع ابهامات و خلأهای موجود نیست. بدین ترتیب، حاکمیت قانون در صورتی قابل تحقق است که قانونگذار در وضع قانون، ملاحظه و احتیاط لازم را در پیش گیرد. در این راستا، اقدام به قانونگذاری باید به نحوی باشد که بتوان از شهروندان و همچنین مأموران حکومتی انتظار آگاهی و تبعیت از آنها را داشت.



## ۵. عدم امکان جرم‌انگاری و تعیین مجازات در قالب آیین‌نامه یا دستورالعمل

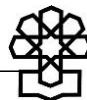
اصل سی‌وششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد». در پرتو این اصل تا زمانی که قوانین حاکم بر یک جامعه رفتاری را جرم ندانسته است و مرتکب آن را قابل تعقیب و مجازات نداند نمی‌توان افراد را مورد بازخواست و محاکمه قرار داد. قدرت و اعتبار این اصل به‌نحوی است که حتی در مواردی که رفتاری به‌موجب آیین‌نامه یا دستورالعمل یا بخشنامه خواهد در فهرست رفتارهای مجرمانه قرار گیرد این اقدام خلاف قانون اساسی اعلام می‌شود و مجلس شورای اسلامی باید در این‌گونه موارد هر آنچه را به‌عنوان جرم تلقی می‌نماید ضرورتاً در متن قانون مورد پیش‌بینی قرار دهد. منظور از قانون، همان مصوبه‌ای است که توسط نهاد قانونگذار یا قوه مقننه (که در کشور ما مجلس شورای اسلامی است) به‌موجب قانون اساسی با رعایت تشریفات و مراحل قانونی به تصویب می‌رسد. بنابراین سایر نهادها نمی‌توانند از طریق تصویب آیین‌نامه یا دستورالعمل و نظایر آن اقدام به جرم‌انگاری و تعیین مجازات نمایند. به‌عنوان مثال در نظر شماره ۷۶/۲۱/۲۰۵۸ مورخ ۱۳۷۶/۹/۳۰ شورای نگهبان در خصوص لایحه استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۶/۹/۱۶ مقرر شده است: نظر به اینکه تبصره «۲» مصوبه تعیین میزان جریمه متخلفان را به آیین‌نامه محول کرده است و اینکه طبق اصل سی‌وششم قانون حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد و با توجه به اینکه مطابق اصل هشتادوپنجم قانون اساسی قانونگذاری قابل تفویض به هیئت وزیران نمی‌باشد، لذا این تبصره از این جهت نیز مخالف اصول سی‌وششم و هشتادوپنجم قانون اساسی شناخته گردید.

## ۶. ضرورت انطباق نوع و میزان مجازات‌های تعزیری با چارچوب تعریف شده در قانون مجازات اسلامی

قانونگذاری مناسب و مطلوب در هر عرصه‌ای مستلزم آن است که تدوین‌کنندگان قانون توجه ویژه به قوانین مهم و مادر موجود در آن حوزه داشته باشند و تا آنجا که ممکن است پایبند به اصول و معیارهای پذیرفته شده در این قوانین باشند. در حوزه حقوق کیفری، دو قانون مادر و اصلی تحت عناوین قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ (به انضمام قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵) و قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ وجود دارد که مهم‌ترین قوانین ماهوی و شکلی در این حوزه محسوب می‌شوند. قانون نخست دربردارنده احکام و مقررات ناظر بر جرم، مجرم و مجازات و قانون دوم مشتمل بر احکام و مقررات ناظر بر تشکیلات قضایی، صلاحیت دادگاه‌ها و فرایند دادرسی است. بدین ترتیب، واضعان قوانین کیفری باید به اصول و احکام مقرر در این دو قانون توجه و عنایت ویژه داشته باشند و تا جایی که ممکن است آنها را تغییر ندهند مگر آنکه ضرورت اقتضا نماید که از برخی از این اصول و احکام عدول شود.

از آنجا که در غالب مواردی که مجلس شورای اسلامی اقدام به قانونگذاری کیفری می‌نماید در حوزه جرائم و مجازات تعزیری می‌باشد، لذا لازم است ضمن رعایت اصول و قواعد عام مندرج در قانون مجازات اسلامی مانند قواعد مقرر برای شروع به جرم، معاونت در جرم، تخفیف و یا تشدید مجازات، در هنگام تعیین کیفر از الگوی مقرر در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی پیروی شود. (پیوست)

در ماده مذکور مقتن به منظور سامان‌دهی مجازات‌های تعزیری انواع آن را براساس شدت و ضعف این مجازات در قالب درجات هشت‌گانه طبقه‌بندی نموده است. براساس این طبقه‌بندی قواعد مربوط به شروع به جرم، معاونت در جرم، تخفیف یا تشدید مجازات و یا سایر قواعد و



احکام حقوق کیفری ازسوی مقنن تعیین شده است. هدف از پیش‌بینی این درجات، ایجاد انسجام در نظام قانونگذاری و پرهیز از تشتت در آرای قضایی است. لذا به‌منظور رعایت این قواعد عام و ایجاد نظم و رویه واحد در حوزه کیفرگذاری لازم است این الگو و طبقه‌بندی در کلیه مواردی که مقنن مبادرت به تعیین مجازات تعزیری می‌نماید مورد لحاظ قرار گیرد.

## ۷. بهره‌گیری از نظرات تخصصی کارشناسی برای تحقق الزامات اسناد بالادستی

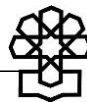
یکی از ضوابط و چارچوب‌های عام قانونگذاری، رعایت الزامات اسناد بالادستی است که خط‌مشی و افق‌های قانونگذاری را تعیین می‌کنند. در حال حاضر در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و قضایی به فراخور ظرفیت‌ها و امکانات آن حوزه، اسنادی تدوین شده که در زمره اسناد بالادستی تخصصی به‌شمار می‌رود و تصویب قوانین عادی الزاماً باید در پرتو این اسناد صورت گیرد. سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه و قانون بودجه سالیانه کشور از مهم‌ترین اسناد بالادستی مشترک در همه حوزه‌ها به‌شمار می‌رود. یکی از اسناد قابل توجه در خصوص قانونگذاری کیفری سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری (ابلاغی - ۱۳۸۸/۰۹/۰۲) می‌باشد. در بند «۱۲» این سیاست‌ها بر اتخاذ تدابیر لازم در استفاده از مجازات زندان با رویکرد حبس‌زدایی تأکید شده است. نکته و موضوعی که لازم است در این خصوص به آن توجه داشت آن است که تحقق این سیاست و اجرای آن که امری کاملاً تخصصی و دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی امنیتی می‌باشد بدون توجه به دیدگاه و نظرات کارشناسی در مواردی می‌تواند نتایج زیانباری را به‌همراه داشته باشد.

در اینجا لازم است یک مورد به‌عنوان مثال بیان شود. در سال ۱۳۹۸ قانونی با عنوان

تشدید مجازات مرتکبین اسیدپاشی تصویب گردید. این قانون که در راستای تأمین منافع جامعه و افراد با هدف تقویت ضمانت اجراهای کیفری عمل مجرمانه اسیدپاشی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود به فاصله چند ماه با ارائه طرحی دوفوریتی با عنوان «تقلیل مجازات حبس تعزیری» که با هدف حبس‌زدایی ارائه گردیده بود مجدداً دستخوش تغییر و به‌نوعی با کاهش چشمگیر مجازات مرتکبین اسیدپاشی مواجه می‌گردید که البته اصلاحات بعدی مبتنی بر استفاده از نظرات کارشناسی در خصوص این طرح مانع از این امر شد. از این رو همان‌طور که رعایت این الزامات ضروری و لازم‌الاتباع است، عملی نمودن و اجرایی کردن این الزامات نمی‌تواند و نباید بدون توجه به ملاحظات تخصصی و کارشناسی آن حوزه صورت گیرد؛ چه اینکه در غیر این صورت نتایج زیانباری به‌همراه خواهد داشت.

### نتیجه‌گیری

فرایند قانونگذاری کیفری باید مبتنی بر اصول، مبانی و چارچوب‌هایی باشد تا علاوه بر رفع نیازهای جامعه، اهداف کلی نظام عدالت کیفری را نیز محقق نماید. بنابراین، علاوه بر رعایت ضوابط عام فرایند قانونگذاری، لازم است تا از ضوابط مختص به این نظام نیز پیروی شود. این امر موجب منطقی شدن این فرایند و پیشگیری از اشتباهات تقنینی خواهد شد. مهم‌ترین ضوابط و اصولی که در این راستا قابل ذکر است، عبارت است از: عدم مغایرت با موازین اسلامی و قانون اساسی، توجه و احترام به اصل قانونی بودن که ماحصل آن عطف به‌ماسبق نشدن و تفسیر مضیق قوانین کیفری است، توجه به اصل برائت، ضرورت شفافیت قوانین کیفری، پرهیز از جرم‌انگاری به‌موجب آیین‌نامه یا دستورالعمل، توجه به چارچوب‌های ترسیم شده در قوانین مادر و درنهایت، بهره‌گیری از نظرات کارشناسی.

**پیوست**

مطابق ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

**درجه ۱**

- حبس بیش از بیست و پنج سال
- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- مصادره کل اموال
- انحلال شخص حقوقی

**درجه ۲**

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال
- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

**درجه ۳**

- حبس بیش از ده تا پانزده سال
- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

**درجه ۴**

- حبس بیش از پنج تا ده سال
- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

**درجه ۵**

- حبس بیش از دو تا پنج سال

- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال
- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی
- ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

#### درجه ۶

- حبس بیش از ۶ ماه تا دو سال
- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از ۶ ماه تا پنج سال
- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

#### درجه ۷

- حبس از نود و یک روز تا ۶ ماه
- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- شلاق از یازده تا سی ضربه
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه

#### درجه ۸

- حبس تا سه ماه
- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- شلاق تا ده ضربه



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۷۰۹۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آشنایی با اصول و چارچوب‌های قانونگذاری کیفی

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق جزا)

تهیه و تدوین کنندگان: میثم عظیمی، علی رحمتی

همکار: سکینه خانعلی‌پور واجارگاه

ناظران علمی: جلیل محبی، احمد حکیم‌جوادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. قانونگذاری کیفی

۲. قانون کیفی

۳. حقوق کیفی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۳/۳۱